

"مختصری درباره طایفه دراویش دلفان"

نویسنده: احمد لطفی - مدرس دانشگاه

مقدمه:

درویش در لغت به معنای فرد فقیر و تهیدست است ولی در اصطلاح صوفیانه و عرفانی درویش به کسانی می گویند که با ریاضت و رعایت تقوا و شاگردی یک پیر طریقت، دل از دنیا شسته اند و به زعم خود خداپرستی و اعمال صالح را در پیش گرفته اند و با نماز و روزه و ذکرهای خاصی عمداً به ریاضت و مسکینی خود را وفق می دهند و با پوشیدن یک سری لباس های خاص از جمله پشمینه پوشی، ژنده پوشی و آرایش ها و پیرایش های خاص خود را در جامعه مطرح می کنند. البته دراویش لک بسیار صاف دل و پیرو اهل بیت (ع) و سادات با تقوای محل خودشان هستند، مردم بی آرام و بی آزارند، و افرادی که تحت تعالیم مذهبی و داری سواد شده اند، شبیه باباطاهر و احمد ابن مسعود (شاه خوشین) و کاکا ردا، و شهره میر (سوره میر) و علی دیه (عالی وبه) و حسن گایار و بهلیل و سایر پیران طریقت، مانن سادات نوشادی و آتش بیگی و.... همه در محیط اجتماعی خویش تأثیر گذار بوده اند.

مردم سرزمین دلفان و مناطق همجواریش از جمله نهاوند، کوهدهشت، الشتر، سیمره و حواشی کرمانشاه و قسمت هایی از غرب عراق کنونی (خانقین و...) با مسلک درویشی و به نوعی ترک دنیا، علیه مهاجمان و قدرت های بیگانه اقدام به مبارزاتی منفی کرده اند.

طبق تحقیقات جدید، دلفان (نورآباد) و کوه های مجاورش، خصوصاً کوه "سرکشتی" در روستای "تشکن" که مقبره ی سید ابراهیم ابن امام موسی کاظم (ع) معروف به "بابابزرگ" و یارش سید جلال الدین معروف به "کال نازار" در آن مدفون هستند، گویی مرکز ثقل جهان هستی بعد از طوفان حضرت نوح نبی بوده است؛ یعنی با توجه به اینکه بومیان منطقه بعد از حضرت آدم، نوح را پدر بزرگ (بابابزرگ) آدمیان می دانند به همین خاطر "کوه سرکشتی" جایی بوده که کشتی حضرت نوح بعد از سیزده ماه بر روی آب ها در آنجا پهلو گرفته است و اندک اندک که زمین هویدا شده و آب ها کمتر شده اند بر طبق نظر کارشناسان حضرت نوح نبی و افرادی که با او بوده اند؛ حضرت نوح بعد از مدت ها که زاد و ولد تداوم می یابد و خشکی های زمین کاملاً آشکار می شوند منطقه "نوح آوند" یا نهاوند را ایجاد می کند. و به یک احتمال دیگر همجواری شهر دلفان یا نورآباد در کنار کوه "سرکشتی" و روستای "تشکن" نام این منطقه هم "نوح آباد" بوده ولی چون لک ها تلفظ نوح برایشان سخت بوده، ویا آنها حضرت نوح را مقدس و نورانی، و دارای معجزه دانسته اند؛ و یا بر مبنای تفکر مهر پرستی و قداست نور لذا نام منطقه را نورآباد (نوح آباد) گفته اند و به یک احتمال دیگر منطقه نهاوند، خاوه، نورآباد و کوه "سرکشتی" حوزه استحفاظی مردمان اولیه اطراف حضرت نوح بوده اند؛ بنابراین همه این مناطق به شکلی وجه تسمیه خود را از جریان اسکان یافتن حضرت نوح گرفته اند و با توجه به قدمت روستای "تشکن" و تپه های باستانی همجوار به احتمالی قبر حضرت نوح نبی الله در همان منطقه دفن شده است و بعدها هم که سادات معظمی در آن جا دفن شده اند از آن جا که شجره آن ها به نوعی، سلسله مراتب به حضرت نوح نبی الله می رسند، لذا منطقه مقدس آنجا معروف "بابابزرگ"؛ یعنی محل و مکانی که بابا بزرگ بشر بعد از حضرت آدم (ع)، یعنی حضرت نوح نبی الله (ع) در آنجا (محل اسکان کشتی اش در کوه سرکشتی) دفن شده است.

به یک احتمال هم قوم پهلو یا پهله نامش برگرفته از همین پهلو گرفتن کشتی حضرت نوح بوده است. و بعدها نیز نام کوه "گودی"، ودر عربی "جودی" و نهایت گوتی ها از قوم پهلو منشعب می شود.

نگارنده بر مبنای سفرهای مختلف به منطقه و مصاحبه ها و مطالعات میدانی، و با توجه به محققینی که در این راستا ذهن ما را معطوف به چنین افکار و سخنانی کرده اند. و همچنین وجود مستشاران و باستان شناسانی که به منطقه آمده اند، خود گواهی بر اهمیت موضوع منطقه کوه "سرکشتی" و روستای "تشکن" (روستای بابابزرگ)، و مطالعه ی صوفیان و عارفان و دراویش غرب کشور، می باشد. [1]

منطقه ی دلفان و سرزمین های اطرافش، بر مبنای تعالیم مذهبی حضرت نوح نبی الله (ع)، و اعقابش، و بعدها زردشت، و جبلی بودن منطقه و محرومیتها و عدم دلبستگی به دنیا، احتمالاً "دراویش عجم در قالب مناطق کوه جودی" زبان عربی، و گوتی که لکها سکونت داشته اند و شاید اول گروهی در اطراف تمدنی که حضرت نوح (ع) در مکانهای پر برکتی از لحاظ آب و خاک و کوه های زاگرس شبیه گرین یا گرون به لهجه ی نهاوندی، و سرکشتی و... نوح آوند (نهاوند) و نوح آباد (نور آباد) و خاوه باستانی همه پایگاهی برای اهل دیانت و ساده زیستان و پاکان روزگار

بودند .

بعد از حمله عرب و شکست بزرگان کشور و مردم ما در نهاوند، این سرزمین در هنگام اسارت و آشنایی با مبلغان شیعه و قرابت فامیلی ای که باخاندان پیامبر(ص) پیش آمد، در اویش عجم و ترکیب دیانت و ریاضت کشیدنیهای ساب

ق را با تفکر علوی و شیعی در هم آمیختند و مکتب یارسان و کاکه ای ایجاد کردند مبلغان و در اویش و صوفیانی چون بهلیل (بهلول) و شاه خوشین و امامزاده سید ابراهیم فرزند امام موسی کاظم و کاکاردا، و باباطاهر عریان و... بنی ان درویش مسلکی سابقتر را با نگاه ویژه به شاه مردان حضرت علی(ع) احیا کردند. آنها با ژنده پوشی و بی توجهی به دنیا طلبی، و مسائلی از این قبیل؛ مبارزه ی منفی خود را با اعراب بنی امیه و بنی عباس و هواداران آنها را آغاز کردند . در این راه اعراب سبکسر ایرانیان را در قالب موالی تحقیر و تمسخر می کردند ، مردان باغیرتی چون بابک خرمدین و مازیار و افشین و یعقوب لیث صفاری و... رودر روی خلفای غصب کننده ی حق حضرت علی و اولاد طاهری نش (ع) ایستادند و در راه آزادی وطن از چنگال چنین مردم بدوی و نا آشنا با فرهنگ و منش پیامبر آخر الزمان(ص) قیام

کردند، و عاشقانه به شهادت رسیدند.

اکنون در مناطق لک و کرد و لر نشین ، غرب کشور، نقش در اویش با محوریت لکها مشهود است. طایفه درویش در دل سلسله و دلفان و بیرو (بیران) و باجول (باجولوند) و طوایف وابسته ی به آنها شکل جدی به خود گرفتند. و در این راستا در قیام مختار، ایرانیان خصوصا" مردم غرب ایران آن روزگار که عراق را هم شامل می شد، با مختار همراه شدند، و تعداد زیادی از آنها در این قیام به خونخواهی حضرت امام حسین(ع) به درجه ی شهادت نایل آمدند.

فیلم قیام مختار ثقفی تاحدودی به نارضایتی و قیام ضمنی مردم غرب کشور ایران علیه خلفای جور به صورتی معنا دار پرداخته بود.

در سرزمین دلفان در اویش نورعالی و کاکاوند و ایتیوند و میربگ و بلورانی و بابابزرگی و... قابل ملاحظه است. برخ ی از این فرق صوفیه ، رهبرانی از سادات را در بین خود دارند. سادات ذوالنور و ابوالوفاء او مشعشعی و آتش بیگی و...و برخی در اویش لک از در اویش شاه ابراهیمی و حسن گایاری و سورمیر و ایتوند و مومه وند و داودرشید و کاکاردا و را برای نمونه می توان نام برد.

ایل ایتون، که خود انشعابی از ایل پراکنده و منقرض شده ی سوره میری باستانی است، والان این کلان ایل باستان ی هنوز گمنام و نا شناخته است، دارای طایفه ای به نام " درویش" است .

"طایفه درویش" ایل ایتیوند، مجموعا" از بیست و یک روستا تشکیل شده است، که در مناطق رودبار، وزکور، میشنان ، داودرشید ، چگنی ، فلک الدین و دلفان(نور آباد) و درود ساکن هستند .

نیاکان این طایفه در گذشته های دور در " سابان " و " سرکشتی " و درب گنبد بابابزرگ سکونت داشته اند، و در اصطلاح در اویش بابا بزرگی سوره میری ها چرده ی بابا بزرگند ، و همین سکونتگاه اولیه ی این ایل و طایفه، در تشکن ، دلیلی بر سرخه میربهای مرید و درویش بابابزرگ هستند . البته بنا به قول معمرین طوایف وابسته به سوره مهری، معتقدند در اویش سوره مهری به دودسته تقسیم شده اند ، دسته ای باید کشاورزی و دامداری مشاعل متداول آن روزگار انجام دهند یعنی به عبارت محلی اروای(اربابی) نمایند و گروهی به مدح علی و آتش و تبلیغات شیعی، و جمع آوری اعانات ، و هدایای مردم بپردازند، نشانه ی این درویشی گرز کل بابا بزرگ بوده است که در خانه و درکشکول خویش نگهدار ی می کردند سایر طوایف و دلپستگان اهل بیت(ع)، در زمانیکه در اویش به درب منازلشان برای اعانه و یا کمک مراجعه می کردند، آن گز کوچک سفید را به دست پیروان می دادند آنها آن را می بوسیدند، و خیراتی به درویش می دادند.

نگارنده شنیده است این گرزها را در اویش پر از سکه می کردند و در امامزاده قرار می دادند و فقط به اندازه ی معی شت استفاده می کردند و گویا سوداگران گنج آن گرزها را در اوایل قرن بیستم میلادی، از امامزاده های تشکن می برند.

ایل ایتیوند، و طایفه درویش، مثل سایر ایلات و طوایف به دلیل ایل و کوچهای اجباری و اختیاری و قحطی ها و یی لاق و قشلاقها در دلفان و طرهان و کرمانشاه و گیلانغرب و هلیلان و حواشی اسلام آباد غرب، و... پراکنده اند.

پر جمعیت ترین روستای " طایفه درویش"، روستای " داودرشید" است، که شامل چهارصد خانوار است و از سال

1347 دارای سپاهی دانش و مدرسه بوده و خدمات مرحوم " علی خان " کدخدای این منطقه زبانزد خاص و عام بوده است [2]

در منطقه رودبار، که در امتداد رودخانه سیمره و در مرز ایلام و لرستان واقع است، با توجه به آبرفتی بودن جلگه ها یش از مناطق مهم تولید گندم و انار به شمار می رود .

"طایفه درویش" از ایل ایتیوند، با داشتن مردانی همچون مرحومان " جعفر ، خانلر ، مومه، حسن و رضا در منطقه رودبار، در آن سالهای سخت، و جنگ و گریزها و قحطی ها مردمشان را از مرگ و مهلکه نجات دادند .

"داراب قاسمی" معروف به "داره قاسی" از فرماندهان سواره نظام جنگ بین نظر علیخان امیر اشرف طرهانی، و رضاشاه بوده، و در آن دوران ملوک الطوایفی، ایشان فردی شجاع و بزن بهادر بوده است، و در آن نبرد سخت ، نقش

مهمی داشته است . [3]

مرحوم علی خان ایتیوند، برای باسوادکردن مردم آبادی، با آوردن " ملا حیدریگ " به عنوان ملایی مکتبی،

و بعدها با آوردن سپاه دانش، و تبدیل کردن منزل خود به مدرسه و ساختن مدرسه، و آوردن آب لوله کشی برای روستا و ... انصافا" این مرد باهمت و غیرت ، از هیچ خدمتی دریغ نکرده است .

مرحوم " سید جواد " نیز خدمات شایانی در این طایفه انجام داده اند . [4]

ایوتین از ایلات اصیل و پر جمعیت

است ، که در استانهای ایلام و لرستان و کرمانشاه و همدان پراکنده هستند. این ایل علوی صدها چهره ی شاخص و ارزشمند دارد ، که همه به صفات پسندیده آراسته هستند.

طوایف ایل ایوتوند(ایوتین):

با توجه به اینکه پراکندگی جمعیت ایل ایوت وند به ترتیب جمعیت شهرنشین آن در شهرستان های کوهدشت ، نورآباد ، کرمانشاه، هرسین، کرج، شهریار، ورامین، تهران، کنگاور، صحنه، تویسرکان، بیستون، اسدآباد، نهاوند و خرم آباد، و.... می باشد، در فریدن اصفهان چندین روستا از ایل ایوت وند ساکن هستند که عده ای کثیری از آنها در شهر فریدن و بقیه در روستاهای آن شهرها ساکن هستند.

ایل ایوت وند ؛ بیش از ۲۷۰آبادی (روستای بزرگ و کوچک) در چهار استان لرستان، کرمانشاه و همدان و ایلام. می باشند آنها دارای ۱۸تیره ، که به ترتیب الفبا به شرح ذیل می باشند:

۱- آخیسَن (آخیسوند)

۲- آخه جان(شامل اولاد چراغ خان (سردار نادر شاه افشار) و کلو)

۳- الوار

۴- سمایلین(اسماعیل وند)

۵- بیرکن(بیرکوند)

۶-باوو وه لیین(باوالی)یا باوالین

۷- تال ون(تالوند) خود دارای پنج تیره می باشد (سلطان قلی، کدخدا، فیضی، علی صالح، تالون)

۸- تووی ین او وی(تونابی) یا [هویین]

۹- خالوند (در مناطق چم کریم، وروشت، گلستانه، بادام شیرین، گور موالی، پشت گر دلفان، در گرمسیر هرین کوهدشت ، در کرمانشاه فهوار محال، دورد فرامان، مایدشت، سر فیروزآبادروستای سراب و سخر علیا و همچنین در اسدآباد روستایی کووانج)

۱۰- دسنن یا دست نوند(ده حسنوند) خود دارای پنج تیره ملال (مولاها)، مه تقی (محمد تقی)، هوز هیبر (حاجی حیدر) ، خلیفه و هوز سهیل، که در منطقه آخه میران، سربایر، کله کله، دولیسکان، کن کت (بیلاق) و در گرمسیر وره زرد، هرید

ن خلیفه، روستای هوز خلیفه قرعلیوند کوهدهشت و همچنین در کرمانشاه: سراب مایدشت، سرفیروزآباد، دادرش (دار درفش)، جیران بلاغ و هرسین ساکن می باشند

۱۱- درگاوند (درگاه وند)

۱۲- دو رنث (درویش)

۱۳- زربینی (معروف به سادات ذوالنور)

۱۴- کرآلانی (کر ابدالانی یا شا ابدلانی) ۱۵- سیرکن (سیرکوند)

۱۶- گجن (گجوند)

۱۷- ملک شئن (ملک شاه وند)

۱۸- هی یا اوه ویی (هویابی) [5]

اسناد تاریخی بسیاری وجود دارد. که شهر نهاوند را حضرت نوح ساخته است. در این نوشته به ذکر چند منبع اشاره می شود؛

۱- ابن هقیه همدانی در سال 290 قمری (1200 سال پیش) در کتاب «البلدان» (به زبان عربی و چاپ 1885 اروپا) صفحه 237 نوشته است: «نهاوند از ساخته های نوح (ع) است و به آن نوح آوند گفته اند.»

۲- یاقوت حموی متوفی 624 قمری در کتاب معجم البلدان صفحه 361 آورده است: «نهاوند را به این دلیل نهاوند گفته اند که از ساخته های نوح (ع) است»

۳- ابی الفداء متوفی 732 در کتاب تقویم البلدان چاپ پاریس صفحه 417 یادآور می شود: «نهاوند شهری از سرزمین کوهستان است که نوح آن را بنا کرده است.»

۴- زکریا قزوینی در سال 674 قمری در کتاب آثار البلاء صفحه 545 می نویسد: «نهاوند از بناهای نوح نبی (ع) است. اصلش نوح آوند بوده است»

۵- در کتاب مجمل التواریخ تالیف سال 530 قمری صفحه 186 می خوانیم:

«نوح پیغامبر شهر را بنا کرد به نام خویش «نوح آوند» و آن نهاوند است.

۶- ابن اثیر در جلد سوم کتاب خود صفحه 335 می آورد:

«نهاوند شهری است از بلاد جبل گویند آن را نوح بنا کرده است»

۷- در کتاب عجایب المخلوقات (سال 555 ق) که اروپایی ها آن را قبول دارند. در جلد 3 صفحه 275 آمده است: «نهاوند شهری قدیم است که آن را نوح بنا کرد. آن را نوح آوند گویند.»

۸- خلف تبریزی در سال 1062 در کتاب برهان قاطع صفحه 1173 می نویسد: «نهاوند: نوح (ع) بانی آن شهر بوده و آن را نوح آوند می گفته اند یعنی

«نوح تخت» و «نوح مسند». پایتخت نوح بوده و آوند به معنی تخت و مسند هم آمده است و به کثرت استعمال نهاوند شده است.»

می بینید که وجود قبر نوح و آرام گرفتن کشتی این پیامبر در ایران نه تنها حرفی امروزی نیست بلکه سخنی تاریخی است. [6]

بر اساس گزارشی که روزنامه همشهری در یکی از ضامم خود، در اسفند ماه سال ۱۳۸۶ شمسی به چاپ رسانده بود، در آن ضمیمه اعلام کرده بود؛ «کشتی حضرت نوح نبی در محلی نزدیک به نورآباد (دلفان) لرستان بر کوه نشسته است.

در این تحقیق اشاره ای به آیات قرآن کریم شده که به قومی به نام جودی یا جودک اشاره شده و ارتباط این قوم با کشتی نوح تصریح شده است. جالب است بدانید که دقیقاً قومی تحت همین عنوان از سالیان دور تا کنون در همان منطقه ساکن هستند

در پایان این تحقیق به مزار یکی از بزرگان دروایش اهل حق (یارستان- یارسان- کاکه ای) اشاره می شود به نام بابابزرگ که نام و آثار این شخص در سرانجام (دفتر مذهبی گروه یارسان اهل حق) آمده و از او به کرات در دفتر سرانجام یارسان نامبرده شده است و اشعار مذهبی نیز از وی در دست می باشد. شاید با بررسی های بیشتر در آموزه های دینی آیینی این قوم بزرگ غرب کشور بتوان فهمید چرا این قوم این مکان را که اسامی دیگری نیز دارد را برای خود مقدس می دانند. با توجه به اعتقاد مذهبی این گروه عرفانی شاید مسئله حلول در کالبد بشری در دفعات مکرر که به عناوینی چون تناسخ از آن نام برده شده علت این امر بوده و یا واقعا شخصی یا امامزاده ای به این نام در این مکان دفن شده باشد. در واقع و با عنایت ویژه به اهمیت موضوع جا دارد محققین این بخش را به دور از تعصبات رایج کنونی مورد کندوکاو قرار دهند و با علم و استنادات افزونتری به اثبات این ادعای شگفت انگیز بروند. [7]

درحقیقت دو قبری که محققان و بومیان در کوه سرکشتی ملاحظه کرده بودند احتمال قبر حضرت نوح(ع) و یکی از اصحابش را بعد از مدتی که زندگی کرده اند، در همان مکان پهلو گرفتن کشتی، دفن کرده اند به همین خاطر این مکان مقدس است.

مردم در طول سالهای متمادی؛ کرامات زیادی از امامزاده بابا بزرگ(ع) و مرقدهای مطهری که در منطقه سرکشتی و تشکن وجود دارند را در تجربه ی تاریخی و مذهبی خویش دارند.

دراین منطقه یارسان و دروایش با اخلاصی پا به عرصه ی وجود گذاشته اند که شرح حال آنها در متون عرفانی اهل حق و یارسان و سینه ی پاک مردم لک زبان و اهالی غرب کشور دارد، آنها با اهل خانواده در طول هزاران سال است که به این منطقه ی زیارتی و مقدس توجه ویژه دارند. امید است کاوشگران رازهای نهفته در دل این کوه و مرقدهای مطهرش را برای آیندگان بیشتر آشکار نمایند.

منابع و پی نوشته ها:

- ۱-وبلاگ همدانیان؛ مقاله ی آیا مقبره ی بابا بزرگ، همان مرقد مطهر نوح نبی است؟
- ۲ و ۳- کانال هنر و مردان لکستان؛ اقتباس از نوشته ای در معرفی طایفه درویش ایل ایتیوند
- ۵-ویکیپدیا؛ ایلات قوم لک در ایران- بررسی قوم دلفان، ایل ایوتین(اتیوند) و تیره هایش
- ۶- همان منبع شماره ۱
- ۷-ضمیمه روزنامه همشهری اسفندماه سال ۱۳۸۶شمسی